



ای رسول خدا، مرا از عملی خبر بده که وارد بهشتم سازد و از آتش دوزخ دور کند. فرمود: «درباره ی امر بزرگی پرسیدی؛ هرچند برای کسی که الله متعال بر او آسان بگرداند، سهل است.»

از معاذ بن جبل رضی الله عنه روایت است که می گوید: عرض کردم: ای رسول خدا، مرا از عملی خبر بده که وارد بهشتم سازد و از آتش دوزخ دور کند. فرمود: «لَقَدْ سَأَلْتُ عَنْ عَظِيمٍ، وَإِنَّهُ لَيْسِيْرٌ عَلَيَّ مَنْ يَسِّرُهُ اللهُ تَعَالَى عَلَيْهِ: تَعْبُدُ اللهُ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا، وَتُقِيمُ الصَّلَاةَ، وَتُؤْتِي الزَّكَاةَ، وَتَصُومُ رَمَضَانَ، وَتَحُجُّ الْبَيْتَ»: «درباره ی امر بزرگی پرسیدی؛ هرچند برای کسی که الله متعال بر او آسان بگرداند، سهل است: اینکه الله را عبادت کنی و هیچ چیز و هیچکس را شریکش نگردانی و نماز بگذاری، زکات بدهی، ماه رمضان را روزه بگیری و حج بیت الله را به جای آوری؛ سپس فرمود: «أَلَا أَدُلُّكَ عَلَىٰ أَبْوَابِ الْخَيْرِ؟ الصَّوْمُ جُنَّةٌ، وَالصَّدَقَةُ تُطْفِئُ الْحَطِيئَةَ كَمَا يُطْفِئُ الْمَاءُ النَّارَ، وَصَلَاةُ الرَّجُلِ مِنْ جَوْفِ اللَّيْلِ»: «آیا تو را به سوی دروازه های خیر و نیکی رهنمون شوم؟ روزه سپری (در برابر آتش دوزخ) می باشد و صدقه آتش گناهان را خاموش می کند، چنانکه آب آتش را فرو می نشاند. و نماز خواندن شخص در دل شب (نیز جزو دروازه های خیر و نیکی است)». سپس این آیات را تلاوت کرد: «تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ، فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»: «[در دل شب] از بسترها برمی خیزند و پروردگارشان را با بیم و امید [به نیایش] می خوانند و از آنچه به آنان روزی داده ایم انفاق می کنند. هیچکس نمی داند به [پاس] آنچه [این مؤمنان در دنیا] انجام می دهند، چه [بسیار مایه ی] روشنی چشم ها برای شان نهفته است». سپس فرمود: «أَلَا أُخْبِرُكَ بِرَأْسِ الْأَمْرِ، وَعَمُودِهِ، وَذُرْوَةِ سِتَامِهِ؟»: «آیا تو را از اساس دین و ستون و بالاترین بخش آن آگاه کنم؟» عرض کردم: بله، ای رسول خدا؛ فرمود: «رَأْسُ الْأَمْرِ الْإِسْلَامُ، وَعَمُودُهُ الصَّلَاةُ، وَذُرْوَةُ سِتَامِهِ الْجِهَادُ»: «اساس دین، اسلام (= شهادتین) است و ستونش نماز؛ و بالاترین بخش آن جهاد می باشد». سپس افزود: «أَلَا أُخْبِرُكَ بِمَلَاكٍ دَلَّكَ كَلِّهِ!»: «آیا تو را از پایه و زیرساخت همه ی این امور آگاه سازم؟» گفتم: بله، ای رسول خدا؛ رسول الله صلی الله علیه وسلم زبانش را گرفت و فرمود: «كُفَّ عَلَيْكَ هَذَا»: «مواظب این باش». پرسیدم: ای رسول خدا، مگر ما به خاطر سخنانی که می گوئیم، بازخواست می شویم؟ فرمود: «تَكَلِّتُكَ أُمَّكَ! وَهَلْ يَكُفُّ النَّاسَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ (أَوْ قَالَ: عَلَىٰ مَتَاخِرِهِمْ) إِلَّا حَصَائِدُ أَلْسِنَتِهِمْ؟»: «مادرت به عزایت بنشیند! مگر مردم را چیزی جز سخنان شان با چهره در دوزخ واژگون می کند؟».

[صحیح است] [به روایت ابن ماجه - به روایت ترمذی - به روایت احمد]

حدیث مذکور بیانگر عملی است که ما را وارد بهشت نموده و از آتش دوزخ نجات می دهد و آن عبادت الله متعال به یگانگی و عمل به مواردی است که الله متعال بر ما فرض کرده است مانند نماز و زکات و روزه و حج؛ و بیان می کند که دربردارنده ی همه ی خیر و خوبی ها، صدقه ی نافله و روزه و تهجد در دل شب می باشد. و اینکه اساس دین اسلام و ستون آن نماز و بالاترین بخش آن جهاد در راه الله برای اعلائی کلمه ی الله است؛ و پایه و زیرساخت همه ی این امور این است که انسان زبان خود را از سخنانی بازدارد که این اعمال را نابود می کند. بنابراین هر مسلمانی باید مراقب باشد زبانش را آزاد و رها نگذارد تا از این طریق اعمالی را که انجام می دهد حفظ نموده و از بین نبرد؛ و با آزاد گذاشتن آن دوزخ را به جان نبرد.



النجاة الخيرية
ALNAJAT CHARITY

